آفتاب یزد بررسی کرد

در هزارتوی دالان اقتصاد زیرزمینی چه خبر است؟

آفتاب یزد- گروه گزارش: در اقتصاد پایدار و سالم، «مالیات» یکی از منابع اساسی و ضروری برای رسیدن به توسعه پایدار است. مالیات همچنین یکی از منابع اصلی دولت‌ها برای تأمین بودجه به‌حساب می‌آید. در اقتصاد دولتی وابسته به نفت ایران نیز در سال‌های اخیر بحث‌های جدی پیرامون تأمین مالی بودجه از طریق مالیات مطرح شده است که البته تلخ‌ترین شکل آن این روزها توسط مجلس یازدهم در حال تصویب است که حتی صدای حامیان اداره کشور بر پایه مالیات به جای نفت را هم در آورده است که «آفتاب یزد» در گزارشی دیگر به آن خواهد پرداخت. آنچه در این صفحه ویژه اقتصادی روزنامه مدنظر گروه گزارش روزنامه قرار گرفته است نگاهی به اقتصاد سایه، اقتصاد زیرزمینی، اقتصادپنهان و سیاه است که از دیگر اسامی «اقتصاد غیررسمی» است. اقتصادی که خارج از چارچوب‌های قانون عمل می‌کند. ویژگی اصلی اقتصاد غیررسمی، عدم ثبت آن در حساب‌های رسمی است و پدیده‌هایی مثل فرار مالیاتی و قاچاق از مصادیق آن است.

توسعه اقتصاد غیررسمی، منشا مشکلات بسیاری برای کشورهاست. مهمترین اثر نامطلوب اقتصادی غیررسمی، زیر سوال بردن اقتصاد حقیقی و کوچک نمایی اقتصاد در آیینه آمار است که می‌تواند قدرت پیش بینی و برنامه‌ریزی را از سیاستگذاران سلب کند. نکته دیگر، کوچک‌ترشدن پایه مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت است.

تا امروز، تلاش‌های بسیاری برای تخمین اقتصاد غیررسمی در کشورهای مختلف انجام شده است. یک بررسی در سال ۲۰۰۰ نشان داد، اقتصاد غیررسمی در مصر و تایلند نزدیک به ۷۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهد و این رقم در آمریکای لاتین ۲۵ تا ۳۵ درصد است. یک بررسی دیگر در سال ۲۰۰۳ نشان داد اقتصاد غیررسمی در ایتالیا، معادل ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. این بررسی‌ها در ایران هم انجام شده است. برای نخستین بار، در سال ۱۳۶۹، یک بررسی نشان داد حجم اقتصاد زیرزمینی ایران در سال ۱۳۶۵، معادل ۸,۳۲ درصد از درآمد اقتصادی رسمی بوده است. هم چنین در سال ۱۳۷۶، یک بررسی دیگر حجم اقتصاد غیررسمی ایران را ۱۸ تا ۳۶ درصد اقتصاد رسمی برآورد کرد. یک بررسی دیگر در سال ۱۳۸۰ اعلام کرد حجم اقتصاد زیرزمینی ایران از ۹,۶ درصد اقتصاد رسمی در سال ۱۳۵۶، به ۱۷,۲۲ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است البته از آنجا که اقتصاد زیرزمینی نامش روی آن است و نمی‌توان رقم دقیق از حجم آن ارائه داد اما از آنجا که سازمان امور مالیاتی در گزارشی که از حجم اقتصاد زیرزمینی ایران منتشر کرد و در آن برآورد شده که بیش از ۵۵۸ هزار میلیارد تومان گردش مالی در بخش «زیرزمینی» و «غیررسمی» ایجاد می‌شود. می‌توان پی به هنگفت بودن آن برد. رقمی که اگر با نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی مورد قبول بانک مرکزی ایران مقایسه شود؛ بالغ بر ۱۳۳ میلیارد دلار است و با نرخ ارز آزاد، به ۲۵ میلیارد دلار می‌رسد! سازمان امور مالیاتی همچنین برآورد کرده که فرار مالیاتی در ایران به ۵۱,۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

«پژوهشگران در تازه‌ترین بررسی حجم اقتصاد غیررسمی از سال ۵۵ تا ۹۵، از روش منطق فازی استفاده کردند. در این روش از ۳ متغیر که اثرگذاری آنها بر حجم اقتصاد غیررسمی در مطالعات تجربی بین‌المللی ثابت شده استفاده شده است. بررسی سه متغیر بیکاری، شاخص مقررات دولت و نرخ موثر مالیاتی از سال ۵۵ تا ۹۵ نشان می‌دهد حجم اقتصاد غیررسمی در این سال‌ها از ۶ تا ۳۰ درصد در نوسان بوده و در این دوره به طور میانگین معادل ۱۷,۴ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است. در واقع بیشترین اندازه اقتصاد غیررسمی مربوط به سال ۹۵ و کمترین آن مربوط به سال ۵۶ بوده است. پژوهشگران در نتیجه‌گیری اعلام کردند شوک وارد شده از ناحیه اشتغال و افزایش نرخ بیکاری و هم چنین چارچوب‌های مالیاتی بهبود نیافته به فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد دامن زده است و اگر دولت برای کاهش وابستگی بودجه عمومی به درآمدهای نفتی برنامه‌ریزی کرده، باید با کاهش نرخ بیکاری از ورود نیروی کار به بخش‌های غیررسمی جلوگیری کند.»

به بیان دیگر، اقتصاد غیررسمی برخلاف اقتصاد رسمی کشور، قانون‌های مصوب را نمی‌پذیرد و محیط کاری خود را براساس ضوابط رفتاری درونی این اقتصاد مشخص می‌کند. اقتصاد غیر رسمی یک متغیر مهم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاست‌های مالی در هر اقتصاد است، بنابراین اطلاع از اندازه و ویژگی‌های آن برای سیاست‌گذاران اقتصادی ضروری است. در این مطالعه از نظریه مجموعه‌ای فازی و منطق فازی برای برآورد اندازه اقتصاد غیررسمی ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ استفاده شده بود. برای این منظور از ۳ شاخص نرخ موثر مالیات، نرخ بیکاری و شاخص مقررات دولت به عنوان متغیرهایی که سهم بالایی در توضیح اقتصاد غیررسمی دارند، استفاده شده است. نتایج نشان داد که طی دوره مورد بررسی اندازه اقتصاد غیررسمی ایران در نوسان بوده است، بیشترین اندازه آن مربوط به سال ۱۳۹۵ و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۵۶ بوده است. حجم اقتصاد غیر رسمی ایران طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۵ به طور میانیگن ۱۷,۴ درصد از تولید ناخالص داخلی است.

البته پیشتر هم در مقاله پژوهشی معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۸۲ با عنوان «برآورد اقتصاد زیرزمینی و تحلیل علل شکل‌گیری آن در ایران با استفاده از الگوهای منطق فازی» این موضوع مورد توجه قرار گرفته بود. در آن مقاله نویسندگان پژوهش با بیان اینکه اقتصاد پنهان به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی گفته می‌شود که ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد، اما اندازه‌گیری و گزارش نمی‌شوند. نوشته بودند: «فقدان گزارش می‌تواند بخاطر فرار از مالیات یا مقررات بیش ازحد باشد.

داشتن اطلاعات از اندازه اقتصاد پنهان اهمیت فراوانی از جنبه شکاف مالیاتی، اثربخشی سیاست‌های پولی و مالی، رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارد. اطلاعات و آماری از حجم و ابعاد اقتصاد پنهان در دسترس نیست، حتی اگر در یک مقطع خاص، اطلاعاتی وجود داشته باشد، اگر این اطلاعات به صورت سری زمانی در اختیار نباشد نمی‌توان از آن به منظور بررسی رابطه علت و معلولی بین اقتصاد پنهان و سایر متغیرهای اقتصادی استفاده کرد.

همچنین شواهد زیادی وجود دارد که در جهان، اقتصاد پنهان در حال رشد است، در ایران نیز شواهد زیادی در دسترس است که حجم اقتصاد پنهان در سالهای اخیر افزایش یافته و حساسیت مقامات اقتصادی را به خود معطوف کرده است.

روش‌های اندازه‌گیری اقتصاد پنهان که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند دچار محدودیت‌ها و نقاط ضعف بوده اند. لذا ضروری است که از روش‌های جدیدتر برای اندازه‌گیری اقتصاد پنهان (که یک متغیر غیرقابل مشاهده است) استفاده شود. اخیراً با توجه به محدودیت‌های روش‌های گذشته استفاده از منطق فازی و روش‌های استنتاجی برای برآورد اندازه متغیرهای پنهان مورد استفاده قرار گرفته است.

■ بازار سیاه یا اقتصاد زیرزمینی!؟

رضا علیاری، کارشناس اقتصاد در گفتگو با «آفتاب یزد» در خصوص تعریف جامع و مانعی که بتوان برای درک بازار سیاه یا اقتصاد زیرزمینی ارائه کرد می‌گوید: بازار سیاه به گویش انگلیسی Black Market یا Underground economy یک بازار کالا و خدمات است که خارج از حیطه حمایت شده توسط دولت کار می‌کند. چنین فعالیت‌هایی به طور معمول به عنوان یک مکمل برای اقتصاد رسمی تعریف می‌شود به عنوان مثال می‌توان به بازار سیاه گوشت و یا بازار سیاه صلاحیت در دولت چین اشاره کرد.

وی با بیان اینکه این بازار از بازار خاکستری Grey market و بازار سفید White market متمایز است (در بازار خاکستری کالاها از طریق کانالهایی توزیع می‌شوند که قانونی غیررسمی و غیر مجازند و یا ناخواسته از طریق تولیدکنندگان ایجاد شده‌اند) و بازار سفید (که یک بازار قانونی برای کالا و خدمات است) می‌افزاید: فقط یک نوع بازار سیاه نیست، بلکه چندین نوع بازار سیاه وجود دارد و این بازارها در همه جا هستند و می‌توانند فعالیت کنند چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه‌یافته.

علیاری با بیان اینکه فراد در فعالیت‌های زیر زمینی کارشان را با فریب و حیله پیش برده و از قوانین، حقوق و مقررات و اجرای مجازات از طرف عوامل دولتی می‌گریزند، می‌افزاید: البته انواع مختلفی از فعالیت‌های زیر زمینی طبق قوانین خاص سازمانی وجود دارد و آنها را در چهار اقتصاد زیر زمینی می‌توان شناسایی کرد: اقتصاد غیرقانونی؛ اقتصاد گزارش نشده؛ اقتصاد ثبت نشده و اقتصاد غیررسمی.

این کارشناس اقتصادی در تشریح تعاریف کلی از هر کدام از این اقتصادها می‌گوید: اقتصاد غیرقانونی بر اساس درآمد حاصل از فعالیت‌هایی است که با نادیده گرفتن قوانین تجاری کار می‌کنند. فعالان عرصه اقتصاد غیرقانونی در تولید، توزیع کالاها و خدمات ممنوع نظیر قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و فحشا کار می‌کنند.

وی در خصوص اقتصاد گزارش نشده نیز آن را شامل آن دسته از فعالیت‌هایی بر می‌شمارد که در آنها قوانین اقتصادی مالیاتی تمرد می‌شود. علیاری اضافه می‌کند: در واقع بصورت خلاصه می‌توان گفت که «اقتصاد گزارش نشده» درآمد حاصل از دارایی‌های گزارش نشده برای مالیات است همچنین اقتصاد گزارش نشده از شکاف مالیاتی بین مالیات قانونی و مالیات جمع شده به دست می‌آید. کما اینکه در ایالات متحده حقوق گزارش نشده، در حدود ۲ بیلیون دلار ناشی از شکاف مالیاتی ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود!

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اقتصاد ثبت نشده نیز بر پایه فعالیت‌های اقتصادی است که از قوانین سازمانی که با توجه به نیازمندی‌های گزارش شده از طرف آژانس‌های اماری دولتی تعریف می‌شوند، تمرد می‌شود، تشریح می‌کند: بصورت خلاصه درآمد حاصل از اقتصاد ثبت نشده (با توجه به قوانین و عرف)، درآمدی است که باید در سیستم‌های حساب داری ملی (مانند حقوق ملی و حساب‌های تولیدی) ثبت شود اما ثبت نشده است. درآمد ثبت نشده در کشورهای در حال توسعه که از سیستم‌های حسابداری سوسیالیستی به سیستم‌های استاندارد ملی سازمان ملل در حال‌گذار هستند؛ به عنوان یک مشکل مهم شناخته شده است. البته روش‌های جدید برای تخمین میزان اقتصاد ثبت نشده (بررسی نشده) ارائه شده است، اما توافق اندکی در مورد اندازه اقتصاد کشورهای در حال توسعه وجود دارد.

وی در پایان در مورد اقتصاد غیررسمی Informal economy نیز اظهار می‌دارد: این نوع اقتصاد شامل فعالیت‌های اقتصادی است که از هزینه‌ها سرپیچی کرده و از حقوق آشکار تصریح شده از قوانین و قواعد اداری در مورد روابط مالکیتی، اجازه تجاری، قرار دادهای کاری، اعتبار مالی و سیستم‌های تأمین اجتماعی، مستثنای می‌شود؛ بطور خلاصه «اقتصاد غیررسمی» درآمد ناشی از عوامل اقتصاد است که بصورت غیررسمی کار می‌کنند. بخش غیررسمی بر خلاف بخش رسمی، قسمتی از اقتصاد است که نه مالیات می‌پردازد و نه توسط دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه در تولید ناخالص ملی en:Gross national product حضور دارد!

در کشورهای توسعه یافته بخش غیررسمی با توجه به استخدام‌های گزارش نشده تأیید می‌شود که این بخش از نظر دولتی برای مالیات،تأمین اجتماعی یا قوانین کار مخفی است، اما از جهات دیگر قانونی است. از طرف دیگر بازار سیاه راجع به بخش‌هایی در اقتصاد است که واردات غیرقانونی خرید و فروش می‌شود.

■ تصاویر چهارگانه از اقتصاد زیرزمینی در ایران

پوریا افشین، پژوهشگر حوزه مالیات نیز در گفتگو با «آفتاب یزد» می‌گوید: اگر کمی به‌عقب برگردیم؛ این نخستین بار نیست که آماری از حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران ارائه می‌شود؛ بلکه بارها از حجم اقتصاد زیرزمینی گفته شده و نسبت به عواقب آن هشدار داده‌اند.

وی با دسته بندی اظهارات مطرح شده در خصوص اقتصاد زیرزمینی در ایران می‌گوید: اجازه بدهید در تصویر اول این خبر را یادآور شوم که با عنوان «۳۰ درصد تولید ناخالص ملی، اقتصاد زیرزمینی یا قاچاق است» به نقل از هادی قوامی، نماینده مجلس دهم در آخرین روز بهمن‌ماه سال گذشته در نطق میان‌دستور خود عنوان شد. در آن مصاحبه قوامی اظهار کرده بود: نقدینگی کشور در سال ۱۳۵۷، ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بوده و در پایان سال ۱۳۹۲، به بیش از ۵۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش‌یافته است، یعنی بیش از ۲۲۰ برابر شده است!» خب حال سؤال اینجاست که آیا رشد اقتصادی واقعی به میزان این ۲۲۰ برابر افزایش‌یافته است؟ قطعاً پاسخ منفی است؛ نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۱ منفی ۵,۶ دهم درصد است؛ این مسئله نشان می‌دهد که نقدینگی به سمت دلالی در فعالیت‌هایی مانند ارز، قاچاق، خرید سکه و مسکن کانالیزه می‌شود و بی‌انضباطی را گسترش می‌دهد.

افشین از اظهارنظر فرهاد دژپسند، وزیر اقتصاد در خصوص میزان فرار مالیاتی در ایران که براساس برآوردها عددی بین ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان عنوان شده به عنوان تصویر دوم یاد می‌کند که شخص وزیر آشکارا یکی از دلایل گسترده بودن دامنه این عدد را فرار مالیاتی می‌داند.

اما تصویر سوم مورد استناد این محقق اقتصادی به‌گفته محسن صفایی‌فراهانی، مدیر باسابقه قوه مجریه در دوران اصلاحات اشاره می‌کند که اعلام کرده است: « توانستیم میزان قاچاق کالا را از ۲۵ میلیارد دلار در سال به ۱۵ میلیارد دلار در سال کاهش دهیم؛ آن ۱۵ میلیارد دلار به همراه ۱۶۰ هزار میلیارد تومان، چند درصد بودجه سالانه ایران را شامل می‌شود؟ جمع این دو عدد نزدیک به ۷۵ درصد بودجه سالانه ایران خواهد شد. گردش مالی مواد مخدر در کشور بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد تومان در سال است. از طرفی ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران در اختیار بخش‌هایی است که هیچ‌گونه حسابرسی قانونمند و کنترل منظمی روی آن‌ها اعمال نمی‌شود.»

و تصویر چهارم هم تصویری است که مسعود نیلی، اقتصاددان و دبیر پیشین ستاد هماهنگی اقتصادی دولت حسن روحانی برآوردی از عمق تاریک اقتصاد ایران اعلام کرده است. او گفته: «اقتصاد غیررسمی ایران از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۳، از حدود ۲۴ تا ۴۲ درصد نوسان داشته است. حجم اقتصاد غیررسمی که در ابتدای دهه ۶۰، کمتر از ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی بود، در سال‌های جنگ روندی افزایشی به خود گرفت و تا حدود ۴۰ درصد پیش رفت؛ اما پس از جنگ، بار دیگر اقتصاد غیررسمی در روندی کاهشی حرکت کرد تا اینکه تحریم‌های اقتصادی، اثر خود را بر این متغیر در ابتدای دهه ۹۰ نشان داد و حجم اقتصاد غیررسمی به حدود ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.»

وی با درک اینکه این آمارها، «چهره زشت اقتصاد ایران» را تصویر می‌کند می‌گوید: این چهره نشان از اندازه قابل‌توجه اقتصاد غیررسمی در آن دارد؛ اما آنچه مهم است اینکه در چهار دهه گذشته، حجم اقتصاد غیررسمی نسبت به تولید ناخالص داخلی همواره حدود ۲۴ تا ۴۲ درصد نوسان داشته است. حجم اقتصاد غیررسمی که در ابتدای دهه ۶۰ کمتر از ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی بود در سال‌های جنگ روندی افزایشی به خود گرفت و تا حدود ۴۰ درصد پیش رفت. اما پس از جنگ بار دیگر اقتصاد غیررسمی در روندی کاهشی حرکت کرد تا اینکه تحریم‌های اقتصادی، اثر خود را بر این متغیر در ابتدای دهه ۹۰ نشان داد و حجم اقتصاد غیررسمی به حدود ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.

■ قاچاق، گزینه‌ای منطبق با انتخاب عقلایی!

رضا نجار، کارشناس اقتصادی دیگری است که در گفتگو با روزنامه «آفتاب یزد» در پاسخ به این پرسش خبرنگار ما که چرا برخی از افراد و بنگاه‌ها تمام یا بخشی از زمان و دارایی‌های خود را فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی می‌کنند؟ چه عواملی آن‌ها را به این مسیر تاریک سوق می‌دهد؟ پژوهش «اقتصاد غیررسمی در ایران» از علی عرب‌مازار، اقتصاددان را مورد استناد قرار می‌دهد که در آن این عوامل در ۳ سطح خرد، کلان و توسعه‌ای طبقه‌بندی شده است. به گفته وی، بر چنین مبنایی، رویکردهای اقتصاد خرد به این پدیده، در توجیه گرایش افراد و بنگاه‌ها به فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، به برتری منافع خالص مورد انتظار مشارکت در این حوزه در قیاس با اقتصاد رسمی اشاره می‌کنند. به طور نمونه در آنجا که منافع خالص مورد انتظار با احتساب ریسک کشف (حاصل از واردات قانونی کالایی کمتر از منافع خالص حاصل از واردات غیرقانونی (قاچاق) آن است، مبادرت به قاچاق گزینه‌ای منطبق با انتخاب عقلایی است؛ اما رویکرد کلان اقتصادی، بر اثر محیط اقتصادی و متغیرهای اصلی آن بر گزینش فعالیت در اقتصاد غیررسمی تمرکز دارد. بخشی از عواملی که تعیین‌کننده منافع خالص مورد انتظار ناشی از فعالیت در هر یک از دو حیطه رسمی یا غیررسمی است مربوط به قیمت‌های آن کالا در داخل و خارج، هزینه‌های حمل‌ونقل و عواملی از این قبیل نیست، بلکه در محدوده متغیرهای کلان اقتصادی، نظیر نرخ ارز، نوسانات اقتصادی رکود و رونق و وضعیت درآمد و اشتغال ناشی از آن است.

وی با بیان اینکه سازمان امور مالیاتی در گزارش خود عنوان کرده که میانگین نسبت حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی برآوردی به تولید ناخالص داخلی در بخش غیررسمی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶ به ترتیب ۳۷, ۷ و ۳, ۵ درصد بوده است. تاکید می‌کند: این در حالی است که پیش از این نتایج مطالعات داخلی نشان می‌داد که نسبت حجم اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی ۳۰ درصد بوده است.

نجار با بیان اینکه هر بار آماری منتشر می‌شود از حجم فرار مالیاتی افراد، شرکت‌ها، نهادها و بخشی از اقتصاد که فعالیت شفافی ندارند خبر می‌دهد می‌گوید: دستاوردهای تجربی در اغلب کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی در این کشورها را تشکیل می‌دهد و مالیات نقش قابل توجهی در اعمال سیاست‌های اقتصادی در این کشورها ایفا می‌کند. به گونه‌ای که در برخی از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد از هزینه‌های عمومی دولت از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می‌شود. اما کشورهای در حال توسعه دارای یک سیستم مالیاتی ناکارآمد هستند که قادر به تأمین اهداف مالی و مالیاتی دولت نیستند.

وی با بیان اینکه در اقتصاد ایران به دلیل فقدان پایگاه اطلاعات اقتصادی و مالی فعالان اقتصادی کشور، عدم شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی، معافیت‌های مالیاتی گسترده، ضعف ضمانت‌های اجرایی قوانین، فقدان اعتماد لازم به نظام مالی دولت، مکانیزه نبودن کامل سیستم مالیاتی و عدم توانایی آن در شناسایی صحیح میزان درآمد مردم، میزان «مالیات تشخیصی» ناچیز بوده اظهار می‌دارد: بخش قابل توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز به مرحله وصول نمی‌رسد و اگر هم وصول شود، اصل فایده در آن رعایت نمی‌شود، یعنی هزینه وصول آن بالاست. این مساله سبب می‌شود تا مالیات بالفعل متفاوت از مالیات بالقوه باشد که در نتیجه آن شکاف مالیاتی به وجود خواهد آمد که آثار سوء و پیامدهای نامطلوبی برای اقتصاد کشور دارد.

وی با بیان اینکه در شرایط کنونی اقتصاد کشور که دولت از یک سو به دنبال بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش سرمایه‌گذاری و تولید توسط بخش خصوصی است و از سوی دیگر با مشکلات بودجه‌ای روبه‌روست، بحث فرار مالیاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اظهار می‌دارد: اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی ایران، از ۲۸,۱ درصد در سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی می‌شود در سال پایانی برنامه ششم توسعه، به سطح بی‌سابقه ۳۴,۵ درصد برسد. البته در این وضعیت تحریم‌های اقتصاد هم اثرگذار است؛ اما آنچه مشخص است اینکه با افزایش اندازه اقتصاد غیررسمی، سیاست‌های تجاری دولت برای حمایت از تولید داخلی مختل می‌شود، نااطمینانی‌ها برای فعالیت‌های اقتصادی رسمی بالاتر می‌رود و هزینه حضور و فعالیت در این بخش افزایش می‌یابد. گاهی باید نقش دولت و حتی حاکمیت را در اقتصاد زیرزمینی جست‌وجو کرد؛ این دولت است که با تعیین قوانین، مرز بین کالاها و خدمات قانونی و غیرقانونی را رسم می‌کند؛ در فعالیت‌های غیررسمی، یعنی تولیدات غیرثبتی نیز نقش دولت پررنگ است. باید اقتصاد در مدار و بسترهای سیاست‌گذاری و مالی-بانکی شفافی تعریف شود؛ زیرزمین اقتصاد، اقتصاد ملی را به مرز فنا نزدیک می‌کند.

■ علت اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی

مرتضی نعمت اللهی، کارشناس اقتصاد دیگری است که در پاسخ به این پرسش «آفتاب یزد» که علت اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی با توجه به شرایط خاص حاکم بر اقتصاد ایران چیست؟ می‌گوید: نگاهی به وضعیت نهادی در کشور گویای آن است که چارچوب نهادی موجود از کارآمدی لازم برای فعالان اقتصادی برخوردار نیست و یکی از دلایل گسترده شدن اقتصاد زیرزمینی به نابسامانی نهادی در کشور برمی‌گردد. بررسی وضعیت ایران در گزارش‌های بین‌المللی که محیط نهادی کشورها را پایش می‌کنند، نشان‌دهنده نیاز جدی کشور به بازنگری و اصلاح زیرساخت‌های نهادی است.

وی با استناد به یکی از این گزارش‌ها که گزارش سالانه رقابت‌پذیری است و هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود، می‌افزاید: بر اساس گزارش رقابت‌پذیری در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷، وضعیت نهادی ایران در رکن نهادها، نابسامان ارزیابی شده است.

نعمت اللهی با بیان اینکه ادراک فساد (CPI) که درجه فساد موجود در میان مقامات اداری و سیاستمداران را نشان می‌دهد و توسط سازمان شفافیت بین‌الملل برای کشورها محاسبه می‌شود نیز همواره نمره ایران را نامناسب ارزیابی کرده است تصریح می‌کند: در سال ۲۰۱۶ نمره ایران از ۱۰۰(بهترین وضعیت)، ۲۹ بوده و از بین ۱۷۶ کشور، رتبه ۱۳۱ را کسب نموده بود.

وی با بیان اینکه شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی هم که توسط اتحادیه حقوق مالکیت تهیه می‌شود و با تمرکز بر محیط حقوقی و سیاسی، حقوق مالکیت فیزیکی و حقوق مالکیت فکری، میزان حمایت کشورها را از حقوق مالکیت بررسی می‌کند، وضعیت ایران را در حمایت از حقوق مالکیت رضایت‌بخش اعلام نمی‌کند اظهار می‌دارد: در سال ۲۰۱۷ نمره ایران ۴۰۵ از ۱۰(بهترین وضعیت) بوده که حاکی از ضعف کشور در این حوزه است.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی در سال ۲۰۱۷، با تمرکز بر عواملی نظیر حق اظهار نظر (شهروندان) و پاسخگویی (دولت)، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، اثرگذاری دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، وضعیت نامساعد کشور را در این زمینه‌ها نشان می‌دهد. تصریح می‌کند: مروری بر شاخص‌های فوق از نخستین سال محاسبه تاکنون، همواره نشان از وضعیت نامناسب کشور داشته است که متعاقباً اثرات خود را بر محیط اقتصادی و فعالیت در بخش رسمی و غیر رسمی نیز نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه شاخص انجام کسب‌وکار بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ نیز وضعیت محیط کسب‌وکار کشور را که بستری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی رسمی به شمار می‌رود، مناسب ارزیابی نمی‌کند. یادآور می‌شود: ایران در آن سال با نمره ۵۶,۴۸ از ۱۰۰(بهترین وضعیت)، در جایگاه ۱۲۴ام در بین ۱۹۰ کشور قرار گرفت.

نعمت اللهی در پایان با اشاره به اینکه علاوه بر نقش نقصان‌های نهادی ذکر شده در اقتصاد زیرزمینی در ایران، عوامل دیگری از جمله بار مالیاتی، بیکاری و تحریم‌های اقتصادی نیز بر گسترش این پدیده نقش دارند تاکید می‌کند: ضعف‌های نهادی از قبیل فساد فراگیر، عدم امنیت حقوق مالکیت، بار مقرراتی بالا، کیفیت نامناسب خدمات بخش عمومی و عدم پاسخ‌گویی دولت و ناکارآمدی سیستم مالیاتی، سبب تشدید عواقب وجود اقتصاد زیرزمینی در کشوری مانند ایران خواهد شد؛ لذا شناسایی، بررسی و اصلاح نهادهای حاکم بر کشور، باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

● بررسی سه متغیر بیکاری، شاخص مقررات دولت و نرخ موثر مالیاتی از سال ۵۵ تا ۹۵ نشان می‌دهد حجم اقتصاد غیررسمی در این سال‌ها از ۶ تا ۳۰ درصد در نوسان بوده و در این دوره به طور میانگین معادل ۱۷,۴ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است

● نقدینگی کشور در سال ۱۳۵۷، ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بوده و در پایان سال ۱۳۹۲، به بیش از ۵۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش‌یافت یعنی بیش از ۲۲۰ برابر!»

● دستاوردهای تجربی در اغلب کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی در این کشورها را تشکیل می‌دهد و مالیات نقش قابل توجهی در اعمال سیاست‌های اقتصادی در این کشورها ایفا می‌کند

● ضعف‌های نهادی از قبیل فساد فراگیر، عدم امنیت حقوق مالکیت، بار مقرراتی بالا، کیفیت نامناسب خدمات بخش عمومی و عدم پاسخ‌گویی دولت و ناکارآمدی سیستم مالیاتی، سبب تشدید عواقب وجود اقتصاد زیرزمینی در کشوری مانند ایران خواهد شد

● پژوهشگران در نتیجه‌گیری اعلام کردند شوک وارد شده از ناحیه اشتغال و افزایش نرخ بیکاری و همچنین چارچوب‌های مالیاتی بهبود نیافته به فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد دامن زده است

● انواع مختلفی از فعالیت‌های زیر زمینی طبق قوانین خاص سازمانی وجود دارد و آنها را در چهار اقتصاد زیر زمینی می‌توان شناسایی کرد: اقتصاد غیرقانونی؛ اقتصاد گزارش نشده؛ اقتصاد ثبت نشده و اقتصاد غیررسمی

آفتاب | یادداشت

آسیب‌های اجتماعی باید ریشه‌ای حل شوند

● جعفر بای
محقق و پژوهشگر

در خصوص اتفاق تلخی که در مورد سوخت برها پیش آمد نکاتی را لازم می‌دانم یادآوری کنم متأسفانه وقتی یک مسئله ی آسیبی وانحرافی به شکل ریشه‌ای درمان نشود، به روندهای مختلفی تبدیل می‌شود. به عنوان مثال ما هم اکنون در شمال کشورمان شاهد چوب بری هستیم و در جنوب شاهد خاک بری در شرق دقیقاً ما مشاهده سوخت برها را می‌کنیم و در غرب کولبرها را می‌بینیم. در این ماجرا علت رشد همه جانبه آن به لاپوشانی و حل نشدن مسائل مربوط است و اینکه ما بیاییم به جای حل کردن مسائل به پاک کردن صورت مسئله بپردازیم و به دنبال ایجاد یک فرمول نادرست و غلطی بگردیم نتیجه‌ای نخواهیم گرفت. همیشه در دنیای غرب یا کشورهای پیشرفته برای حل چنین ماجراهایی بدون هیچ گونه اغماض صورت مسئله را به دقت مورد توجه قرار می‌دهند و ماجرا را نقد و بررسی نموده و با تجزیه و تحلیل، مطالعه، کار کارشناسی بسیار دقیق و زیر ذره بین آن را مورد توجه همه جانبه قرار می‌دهند.به همین دلیل نباید از مسائل اینچنینی فاصله گرفت و آن را به حال خود رها کرد ماجرای کولبرها قابل مطالعه و بررسی و رسیدن به یک پیشنهاد عملی و کارشناسی است یا مسئله سوخت برها در شرایط کنونی می‌تواند قابل حل و بررسی قرار گیرد. ما دقیقاً اگر مسائل را جدی بگیریم و مورد مطالعه قرار بدهیم درخواهیم یافت که این مسئله بازخورد پدیده‌هایی است که مورد غفلت قرار گرفته یعنی جوان بیکار متاهل دارای بچه نمی‌تواند آرام در خانه بماند چاره‌ای ندارد اینکه به کار و تلاش و کوشش بپردازد. این مسئله باید به عنوان یک مسئله بسیار جدی و مهم باید مورد توجه قرار بگیرد قطعاً غفلت‌ها، قصورها و کوتاهی‌هایی است که در جاهای دیگری اتفاق افتاده و این خودش رو در این منطقه به این شکل نشان داده و دنیای امروز پدیده انحرافی را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

از دل آن به یک پیشنهاداتی می‌رسند و دست به یک اقدامات مناسبی می‌زنند تا بتواند آن را حل کند.در واقع صحبت از حل مسئله است نه رها کردن.

ما باید در این گونه پدیده‌ها که همه انحرافات مانند شیء درون آب است که باید آن را از آب در آورده و تمام ابعاد آن را مورد دقت قرار دهیم تا متوجه وزن و رنگ و اندازه و ابعاد آن شیء شویم. وقتی اشراف پیدا کردیم می‌توانیم آن را مدیریت کنیم بسیاری از مسائل لاینحل عدم اشراف و ناشناخته رها می‌شوند و بعد به مسئله غیر قابل حل تبدیل می‌شوند.به همین دلیل باید برای این گونه موارد اقدامات جدی انجام داد تا شاهد اتفاق‌های ناگوار و تلخی نباشیم. باید مباحث را مورد توجه همه جانبه قرار دهیم تا بتوانیم با آن‌ها مقابله کرده وآن‌ها را مدیریت کنیم.